

مطالعه معناشناختی دنیا در قرآن کریم



دکتر روح الله نصیری^۱

چکیده:

در این پژوهش کوشیده‌ایم با نگاهی معناشناختی، حوزه‌های معنایی دنیا را در قرآن مورد مطالعه قرار دهیم. در این باره، پس از نگاهی به موقعیت این واژه در کتب لغت، و همچنین با دقت به مفهوم دنیا در آیات قرآن، این مفهوم را در حوزه‌های معنایی مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم. همچنین با نگاهی به مفهوم دنیای نکوهیده و دنیای ستوده در قرآن کریم، و بینش‌های مختلف انسان‌ها در باره دنیا، تبعات و نتایج بینش‌های مختلف انسان‌ها را در مورد دنیا مشخص کرده‌ایم و ستایش‌ها و نکوهش‌هایی که درباره دنیا به کار رفته را مورد تحلیل و علت‌یابی قرار داده‌ایم. دنیا یکی از آفرینش‌های الهی است که با اوصاف فراوانی چون؛ وسیله، کالایی اندک، لپو و لعب، زینت، هدف و ... توصیف شده است و بررسی و تحلیل این اوصاف دنیا، ضروری به نظر می‌رسد.

کلمات کلیدی:

قرآن، دنیا، انسان، معناشناسی

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی، مبدد) و دکتری زبان و ادبیات عرب
نشانی الکترونیکی: rnasini@modares.ac.ir

مقدمه

دنیا یکی از مظاهر آفرینش الهی است و انسان با توجه به نوع نگرشی که به دنیا دارد می تواند از آن بسان وسیله ای برای رسیدن به رضوان الهی استفاده کند و یا اینکه در اثر غفلت، فریب زیبایی های آن را خورده و دنیا را هدف و غایت ببیند که نتیجه این بینش خبیبران و ندامت خواهد بود. بدیهی است که هیچ یک از آفرینش های الهی مذموم و ناپسند نمی باشد؛ دنیا نیز یکی از خلقت های الهی است لذا دنیا نمی تواند خودبخود ناپسند و مذموم باشد بلکه نوع نگرش انسان به دنیا است که باعث می شود دنیا وسیله رسیدن به رضوان الهی گردد یا اینکه سبب گمراهی و تباهی انسان شود.

واژه شناسی

واژه دنیا، ۱۵ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است (عبد الباقی، ذیل واژه دنیا) و واژه شناسان آن را عموماً از ریشه ی «دنو» می دانند. در واژه شناسی این لفظ به معانی چندی بر می خوریم از جمله: نزدیکی (احمد بن زکریا، ۳۰۲/۲)؛ نزدیکی به زمان حال (طوسی، ۴۴۷/۴)؛ نزدیکی به ساکنان زمین (ابن اثیر جزری، ۱۳۷/۲)؛ نزدیکی به امور جسمانی و لذات، نزدیکی با حکم و علم (راغب اصفهانی، ۱۷۲)؛ جهانی که در آن هستیم، عالم مادی، این جهان، عالم حاضر، مقابل آخرت، کره ی زمین (معین، ۱۵۶۶/۲).

اما برخی دیگر دنیا را از ریشه ی «دناءت» گرفته اند و معانی خاصی ذکر کرده اند از جمله: پست تر (ابن فارس، ۳۰۳/۲)؛ در مقابل بهتر (راغب اصفهانی، ۱۷۲)؛ چیزی که انسان را از خدا باز می دارد (معین، ۱۵۶۶/۲).

با توجه به مطالب ذکر شده می توان به معنایی جامع از واژه دنیا دست یافت و آن را به، امری نزدیک و ملموس، معنا نمود. چنان که خداوند در مورد شخصیت حضرت ابراهیم (ع) می فرماید:

«و آتیناه اجره فی الدنيا و إنه فی الآخرة لمن الصالحین» (عنکبوت/ ۲۷)

«و در دنیا پاداشش را به او بخشیدیم و قطعاً او در آخرت (نیز) از شایستگان خواهد بود.» و همچنین در دعای مومنان حقیقی در مناسک حج، آمده است:

«رینا ءاتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار» (بقره/ ۲۰۱)

«سروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت (نیز) نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه دار.»

حوزه معنایی دنیا

با توجه به ذهن انسان ها و نگرش آن ها به دنیا، دنیا دارای سه حوزه معنایی متفاوت می باشد: برای انسان های متدبر و خردمند آیه ای است تا به نظم موجود در دنیا بیاندیشند و پی به ناظم» ببرند. برای ماتریالیست ها و مادی گراها هدف و غایت می باشد. برای مومنان، ابزار و وسیله ای است برای رسیدن به سعادت اخروی. برای تبیین حوزه معانی دنیا، توضیحات را با استناد به آیات قرآنی و روایات بیان می کنیم.

الف) آیات خداوند

«آیه» در لغت به معنای نشانه و علامت است که انسان را به چیزی هدایت می کند (راغب اصفهانی، ۳۳)؛ چنان که خورشید، ماه، ستارگان، انواع جانداران، گیاهان، کوه ها، دریاها و... هر یک آیه و نشانه ای بر حقانیت ذات پاک خداوند است که این ها همه از مظاهر و پدیده های دنیاست و آیه و نشانه ای بارز و محسوس برای شناخت خدا می باشد.

به تعبیر فیض کاشانی: «خداوند، آسمان و زمین و کائنات را با نظم خاصی آفرید تا بشر برای ادامه حیات خویش و برای رسیدن به کمال، زندگی خود را بر اساس آن تنظیم نماید» (فیض کاشانی، ۶۳۳/۲). لذا با تأمل و تدبر در پدیده های دنیا، مشخص می شود که دنیا یکی از آیه های بارز شناخت خداوند می باشد.

دنیا در این معنا به ذاتیات که همان موجودات عالم طبیعت است، ارتباط دارد و به تعبیر قرآن کریم، حق است و نظامی راستین دارد:

«و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا» (ص، ۲۷)

«و آسمان و زمین را و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم.»

«الم تر أن الله خلق السموات و الارض بالحق» (ابراهیم، ۱۹)

«آیا در نیافته ای که خداوند آسمان و زمین را به حق آفریده.»

و اساساً بدیهی به آفرینش و نظام هستی با هسته ی مرکزی اسلام، یعنی توحید سازگار نیست. این گونه نظریه ها یا بر ماتریالیسم و انکار مبدا حکیم مبتنی است و یا بر اساس اعتقاد به ثنویت است. اما در دینی که بر اساس توحید و اعتقاد به خدای دانا و توانا و حکیم بنا شده است، جایی برای این افکار باقی نمی ماند (مطهری، ۱۶۱-۱۶۲).

ب) وسیله و ابزار

وسیله و ابزار به هر چیزی گویند که توسط آن و یا وسائط آن بتوان به هدف دست یافت. استفاده از وسیله هیچ گاه به معنای تعلق خاطر و خلط آن با هدف نیست. آشکارترین

تعریف دنیا که ابزار بودن آن را تبیین می‌کند، تشبیه آن به مزرعه است:

«الدنيا مزرعة الآخرة» (الاحصایی، ۲۶۷)

«دنیا محل کشتزار آخرت است»

هر کس در این مزرعه، تخمی بیفشاند و کشتی به عمل آورد، در سرای دیگر نتیجه‌ی آن را خواهد دید. در منطق قرآن کریم، دنیا جایگاه کاشت برای برداشت است نه کاشت برای کاشت و تنها ماهیتی مزرعه گونه دارد:

«من کان یرید حرث الآخرة نزد له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنيا فوته منها و ماله فی الآخرة من نصیب» (شوری / ۲۰)

«کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته اش می‌افزاییم و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم (ولی) در آخرت او را نصیبی نیست»

صدر المتألهین شیرازی، ماهیت ابزار گونه دنیا را چنین تبیین می‌کند:

«دنیا برای انسان نه آغاز است و نه فرجام. در نگاه ما انسان قبل از دنیا، بوده و بعد از آن هم، خواهد بود. انسان پیش از دنیا در علم خدا بود، سپس به روح عقلائی در آمد، بعد روح به قالب مثالی تعلق پیدا کرد و سرانجام در دنیا لباس مادی پوشید. پس از دنیا نیز با همین قوس نزولی را که در آن فرود آمده، رو به بالا خواهد پیمود و به مقام قرب الهی می‌رسد، یا به ژرفای سهمگین جهنم - که نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند - سقوط می‌کند» (صدرالدین شیرازی، ۸۱/۳-۸۰).

هدف از خلقت انسان، رسیدن به مقام قرب و بهشت بوده و دنیا فقط وسیله‌ای برای رسیدن به این مقام است و چنان که کسی آن را وسیله‌ی بینایی خود کند او را بینا می‌کند: «و من ابصرها بصرته» (صبحی صالح، خطبه ۸۲).

ج) هدف و غایت

هدف به چیزی گویند که در رأس امور قرار گرفته و تمام ابزارها و شیوه‌ها در راستای آن حرکت نموده و وصول به آن به معنای بی‌نیازی از وسائل و وسائط است و امور مادی هیچ‌گاه خاصیت غایتمندی ندارند زیرا زوال‌پذیری از ماهیت آن جدا نیست؛ به تعبیر قرآن کریم:

«ما عندکم ینفد و ما عندالله باق» (تخل، ۹۶)

«آنچه پیش شماست تمام می‌شود، و آنچه پیش خداست پایدار است.»

و ما عندالله خیر و ابقى» (قصص، ۶۰)

«آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است.»

دنیا چون خصوصیت دوام و جاودانگی ندارد، هدف انگاری آن یعنی دلبستن به امری فانی و زوال‌پذیر که منافات با فلسفه‌ی آفرینش انسان دارد و موجب می‌شود تا انسان فراتر از دنیا را نبیند و تمام استعدادهای خود را در راه وصول به آن مستهلک سازد و در اثر خیرگی شدید در آن، دیدگانش کور و بصیرتش از بین رود: «و من ابصر إليها أعمته» (صبحی صالح، خطبه ۸۲). «و آن کس که چشم به دنیا دوزد کورش کند.»

قرآن کریم، هدف انگاران دنیا را چنین توصیف می‌کند:

«إن الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحویة الدنيا و اطمأنوا بها و الذین هم عن آیتنا غفلون أولئک ماواهم النار بما كانوا یکسبون» (یونس، ۸-۷)

«کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافلند، آنان به [کیفر] آنچه به دست می‌آورند، جایگاهشان آتش است.»

علامه طباطبائی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

«وقتی جهان بینی یک انسان به گونه‌ای باشد که تمام هم و غم او معطوف به زندگی مادی دنیا شود، قهراً هم فطریش در تلاش برای بقاء صرف همین زندگی دنیا می‌شود و به داشتن آن راضی شده، دلش به آرامشی کاذب، آرامش می‌یابد و دیگر به طلب آخرت بر نمی‌خیزد و منکر لقای خداوند یعنی زندگی اخروی می‌شود.» (الطباطبائی، ۱۵/۱۰-۱۴).

اوصاف دنیا در قرآن کریم

در قرآن کریم، دنیا با اوصافی بیان شده است که با شناخت این ویژگی‌ها می‌توان به ماهیت دنیا پی برد و حوزه معنایی آن‌ها را از یکدیگر تفکیک نمود. از نمونه‌های این اوصاف عبارتند از:

۱- متاع

در آیاتی از قرآن کریم، دنیا به متاع، متاع قلیل و متاع غرور توصیف شده:

«و فرحوا بالحویة الدنيا و ما الحویة الدنيا فی الآخرة الا متاع» (رعد، ۲۶)

«و آن‌ها [کافران] به زندگی دنیا، شاد شدند، در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع است.»

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«قل متاع الدنيا قليل و الآخرة خير لمن اتقى» (نساء، ۷۷)

«به آن‌ها بگو: بهره زندگی دنیا، ناچیز است و سراسر آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است.» و در آیه‌ای دیگر چنین آمده:

«و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور» (آل عمران، ۱۸۵ و حدید، ۲۰)

«وزندگی دنیا جز متاع غرور نیست.»

علامه طباطبایی «متاع» را تبه هر چیزی که خودش هدف نباشد، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باشد معنا کرده است (طباطبایی، ۱۰۶/۳).

۲- عاجله

در آیاتی از قرآن، دنیا به «عاجله» و زود گذری وصف شده:

«من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید ثم جعلنا له جهنم یصلاها مذموما مدحورا» (اسراء، ۱۸)

«هر کس خواهان (دنیا)ی زود گذر است، به زودی هر که را خواهیم (نصیبی) از آن می‌دهیم، انگار جهنم را که در آن خوار و رانده خواهد شد، برای او مقرر می‌داریم.»

و طبرسی «عاجله» را به نعمت‌های عاجله و زود گذر معنا کرده (۳/ ۴۰۷).

علامه طباطبایی در ذیل آیه چنین آورده: منظور از «من کان یرید العاجلة» این است که: هر کس حیات عاجله یعنی زندگی دنیا را بخواهد که نفس از آن متلذذ و قلب بدان علاقمند است و تعلق قلب به حیات عاجله و طلب آن، وقتی تعلق و دنیا طلبی است که فقط حیات عاجله را بخواهد نه آخرت را و طالب دنیا کسی است که معتقد به زندگی دیگری غیر از زندگی دنیا نباشد (طباطبایی، ۱۳/ ۶۳). در آیاتی دیگر می‌فرماید:

«ان هولاء یحبون العاجلة ویذرون وراءهم یوما ثقیل» (انسان، ۲۷)

«اینان دنیا را دوست دارند، روزی گرانبار را (به غفلت) پشت سر می‌افکنند.»

«کلا بل یحبون العاجلة و تذرون الآخرة» (قیامت، ۲۰-۲۱)

«ولی نه (شما دنیا)ی زود گذر را دوست دارید، و آخرت را وا می‌گذارید.»

۳- حرث

در آیه ای، قرآن کریم دنیا را به به زراعت و کشت وصف نموده:

«من کان یرید حرث الآخرة نذ له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنيا نوته منها و ما له فی الآخرة من نصیب» (شوری، ۲۰)

«کسی که کشت آخرت را بخواهد، برای وی در کشته اش می‌افزاییم و کسی که کشت این

دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم (ولی) در آخرت، او را نصیبی نیست.»

فخر رازی در ذیل این آیه آورده: خداوند در مورد طالب کشت آخرت فرموده «نذ له فی حرثه» و در باره‌ی طالب دنیا فرموده «نوته منها» و «من» در اینجا تبعیضیه است و معنا اینگونه می‌باشد که به او تمام آنچه را که طلب می‌کند نمی‌دهیم بلکه مقداری از آنچه بخواهیم می‌دهیم و در ادامه آورده: خداوند دنیا و آخرت را «حرث» نامیده زیرا این دو به دست نمی‌آید مگر با تحمل بیخبری‌ها و مشقت زیرا «حرث» به دست نمی‌آید مگر با تحمل مشقت، بذر افشانی، آبیاری کردن، رشد کردن، درو نمودن و پاک کردن خاشاک از آن (فخر الدین ابن ضیاء الدین عمر، ۲۷/ ۱۶۱-۱۶۲)

۴- لهُو و لعب

در آیاتی از قرآن دنیا به امری سرگرم کننده و بازیچه توصیف شده:

«انما الحیوة الدنیا لعب و لهُو» (محمد، ۳۶)

«زندگی این دنیا بازی و سرگرمی ای بیش نیست.»

«و ما الحیوة الدنیا الا لعب و لهُو» (انعام، ۳۲)

«و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست.»

کلمه «لهُو» به معنای هر عمل سرگرم کننده‌ای است که انسان را از کاری مهم و حیاتی و وظیفه‌ای واجب باز دارد، یکی از مصادیق لهُو، زندگی مادی دنیاست، برای این که آدمی را با زرق و برق خود و آرایش فانی و فریبنده خود از زندگی باقی و دائمی باز می‌دارد و به خود مشغول و سرگرم می‌کند (طباطبایی، ۱۶/ ۱۴۹).

«لعب» به کاری گفته می‌شود که فایده و نتیجه عقلانی دربر ندارد، مانند عموم کارهای کودکان و تشبیه دنیا به بازی از این نظر است که بازی‌ها معمولا کارهای تو خالی و بی اساس هستند که از متن زندگی حقیقی دورند، نه آن‌ها که در بازی پیروز می‌شوند، پیروزند و نه آن‌ها که شکست می‌خورند، شکست یافته‌اند زیرا پس از بازی همه چیز به جای خود باز می‌گردد. (مکارم، ۵/ ۲۰۷)

۵- زینت

در آیاتی نیز دنیا به زینت وصف شده:

«من کان یرید الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهام اعمالهم فیها و هم لا یبخسون»

(هود، ۱۵)

«کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند (جزای) کارهایشان را در آنجا به طور

کامل به آنان می دهیم.»

ذکر کلمه «زینت» بعد از «الحیوة الدنیا» برای این است که دنیا پرستی و زرق و برق را محکوم کند، نه بهره گیری معتدل و حساب شده از مواهب این جهان را (مکارم، ۹، ۴۸).
راغب «زینت» را به سه دسته تقسیم کرده: و نوع سوم را به زینت خارجی، یعنی زینت دادن و آراستن به وسیله چیزی جدا از انسان و مانند مال و مقام، معرفی کرده است (راغب، ۲۱۸-۲۱۹).

اما آنچه انسان را در حالتی غیر از حالت دیگر زینت (یعنی خارج از وجود انسان) باشد، از یک جهت در معنی «شین» زشتی است.

و در آیه ای دیگر نیز چنین آمده:

«وما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوة الدنیا و زینتها» (قصص، ۶۰) «و هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است.»

و در آیه ای دیگر لهُو و لعب و زینت به همراه تفاخر و تکاثر مطرح شده است:

«اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد» (حدید، ۲۰) «بدانید زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است.»

مفهوم دنیا از دیدگاه عالمان اخلاق

در کتب اخلاق با ایستشهاد و برداشت از روایات ائمه معصومین (ع) در خصوص دنیا، آن را به دو نوع کلی نکوهیده و «مذموم» و ممدوح و «ستوده» تقسیم بندی کرده اند.

دنیای نکوهیده

با توجه به معانی و کاربردهای دنیا می توان به این نکته پی برد که دنیای نکوهیده به معنای هدف و غایت پنداشتن دنیا است که اموری چون: خدا فراموشی، بی اعتقادی به معاد، پیروی از هواهای نفسانی، جهل و عدم تعقل، غفلت، خود فراموشی، تقلید و تعصب، تمایل به باطل، حرص و آزمندی، تندروی، کندروی و... از شاخص های اصلی آن است.

امام خمینی (ره) درباره دنیای نکوهیده چنین می فرماید:

«دنیای نکوهیده عبارت است از تعلق قلب و محبت دنیا و هر چه دلبستگی به آن بیشتر باشد، حجاب بین انسان و دار کرامت او و پرده ی ما بین قلب و حق بیشتر و غلیظ تر شود و آنچه در بعضی احادیث شریفه است که از برای خدا هفتاد هزار حجاب است از نور و ظلمت، حجاب های ظلمانی تواند همین تعلقات قلبیه باشد به دنیا و هر قدر تعلقات بیشتر باشد

حجاب ها زیادتر است و هر چه تعلقات شدیدتر باشد، حجاب غلیظ تر و خرق آن مشکل تر است.» (امام خمینی، ۱۲۱-۱۲۲).

در تبلیغات و مواظب اسلامی، معمولاً بیش از آن که انسان به سوی دنیا سوق داده شود و ارزش مثبت آن بیان گردد، از نکوهش دنیا یاد شده و این بدان سبب است که آدمی بیشتر با ماده و محسوسات، گرایش و میل طبیعی به دنیا دارد اما آخرت که در افق برتری از قوای ادراکی او قرار دارد، چندان مورد توجه قرار نمی گیرد (مطهری، ۱۶۰) و آنچه را در فرهنگ قرآن و روایات به عنوان نکوهش و بی ارزشی دنیا آمده می توان به دو نوع تقسیم کرد:

الف) بی ارزشی نسبی

مراد از این نوع بی ارزشی، این است که وقتی یک امر ارزشمند از دنیا را با یک امر ارزشمند دیگر از دنیا مقایسه کنیم گاه، یکی نسبت به دیگری از ارزش کمتری برخوردار است، به گونه ای که اگر انسان را میان آن دو مخیر کنند می گوید اولی نسبت به دومی با ارزش تر است (علی اکبریان، ۶۰) و فراتر از این امور، اگر ارزش دنیا را با ارزش آخرت مقایسه کنند، می گوید دنیا در برابر آخرت؛ بی ارزش است.

بیشتر آیات قرآن کریم در صدد مقایسه دنیا با آخرت هستند، در برخی از آیات که دنیا نکوهش شده، بلافاصله به آخرت اشاره می نماید و یاد آور می شود که زندگی حقیقی در آنجاست، از جمله:

«و ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب وان الدار الاخرة لهُی الحیوان لوکانوا یعلمون» (عنکبوت، ۶۴)

«این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا (در) سرای آخرت است، ای کاش می دانستند.»

«و ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوة الدنیا و زینتها و ما عندالله خیر و ابقى أفلا تعقلون» (قصص، ۶۰)

«... و فرحوا بالحیوة الدنیا و ما الحیوة الدنیا فی الاخرة الا متاع» (رعد، ۲۶)

«هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است، (ولی) آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است، مگر نمی اندیشید.»

«و ایتغ فیهما ءاتاک الله الدار الاخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا...» (قصص، ۷۷)

«و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.»

اکثر روایات معصومین (ع) در باب نکوهش دنیا در قیاس با آخرت، سنجدیده شده؛ از آن

جمله، امام علی (ع)، رابطه‌ی دنیا و آخرت را مانند دو دشمن ناهمگون و دو راه مختلف می‌داند که دوستی به یکی موجب دشمنی با دیگری خواهد شد و یا مانند مشرق و مغرب است که نزدیکی به یکی موجب دوری از دیگری می‌شود و یا مانند دو زن هستند در نکاح یک شوهر که هیچ‌گاه با یکدیگر سرسازش ندارند؛ «ان الدنيا و الآخرة عدوانان متفاوتان و یسیلان مختلفان فمن احب الدنيا و تولاها ابغض الآخرة و عاذاها و هما بمنزلة المشرق و المغرب و ماش بینهما كلما قرب من واحد بعد الاخر و هما بعد ضرتان» (صبحی صالح، حکمت ۱۰۳)

«دنیا و آخرت دو دشمن ناهمگون اند و دو راه گونه‌گون. هر که دنیا را دوست بدارد، آخرت را دشمن داشته، دنیا و آخرت به مثابه مشرق و مغرب‌اند و کسی که میان آن دو سیر می‌کند، هر گاه به یکی نزدیک شود از دیگری دور گردد و یا چون دو زن هستند در نکاح یک شوی.»

و این که در روایات دنیا به بازار زیان، قریانگاه خردها، آرزوی نگوینختان؛ کشتزار شرویدی؛ خوارکننده‌ی انسان؛ جایگاه فریب، زهر کشنده؛ مضحکه‌ی گریه‌انگیز؛ و دوستی آن منشا هر گناه (آمدی، ۳۶۵ / ۶۴) ... توصیف شده قطعاً در مقایسه با آخرت بوده است.

مطهری، جمع بین دنیا و آخرت را چنین تحلیل می‌کند:

«این که در قرآن کریم آمده است: «و ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه» (حزاب / ۴) منظور آیه این نیست که یا باید مردم به خدا علاقه داشته باشند و یا به غیر خدا، از امور غیر دنیوی چون زن و فرزند و مال و غیره، مقصود این است که مردم باید یک هدف اعلی و منتهای آرزو داشته باشند. دو چیزی که با هم جمع نمی‌شوند این است که منتهای آرزو خدا باشد یا مادیات دنیوی و گرنه صرف علاقه به چند چیز در آن واحد خیلی واضح است که میسر می‌باشد» (مطهری، بیست گفتار، ۱۷۷)

ب) بی‌ارزشی ذاتی

مراد از این نوع بی‌ارزشی این است که وقتی یک امر دنیوی نسبت به انسان و خواسته‌ها و گرایش‌ها و کمالات او سنجیده شود و ملاحظه شود که این امور دنیوی با کمالات او منافات دارد و او را از رسیدن به هدف از خلقتش باز می‌دارد، قطعاً آن امور دنیوی برای انسان دارای ارزش منفی خواهد بود و شر محسوب می‌شود (علی اکبریان، ۶۱). این نوع از بی‌ارزشی، تنها در افعال اختیاری انسان وجود دارد چرا که در فرهنگ و حی، جهان خلقت، سراسر خیر است و هیچ شیء و پدیده‌ی شری که با کمال انسان منافات داشته باشد،

وجود ندارد. هر شری از افعال اختیاری انسان بر می‌خیزد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «الذی احسن کل شیء خلقه» (سجده، ۷)

«همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده.»

«ان احسنتم احسنتم لأنفسکم و ان أسأتم فلها» (اسراء، ۷)

«اگر نیکی کنید به خود کرده‌اید و اگر بدی کنید به خود (بد نموده‌اید)»

«ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» (روم، ۴۱)

«به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است.» به عبارت دیگر، دنیای نکوهیده را نباید در جهان طبیعت جستجو کرد، بلکه آن را در افعال و صفات اختیاری انسان می‌توان جست و اطلاق ذم بر دنیا، نادرست و غیر دینی است و بالطبع انتساب پلیدی و زشتی و کژی و بیهودگی به جهان، نوعی کفر به خداوند و خلقت او به شمار می‌رود. بنابر این تمام نکوهش‌هایی که از دنیا شده و همه‌ی تکذیب‌هایی که درباره‌ی آن وارد شده و این که به ترک آن و پشت کردن بدان فرمان داده شده، در واقع تکذیب و طرد جهان پست و زشت نفس‌گمراه آدمی است، زیرا جهان و مظاهر هستی، جز نشانه‌ای از رحمت و وسعت و هدایت پروردگار نیست (دلشاد تهرانی، ۱۲۰). به همین دلیل خداوند به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که از کسانی که از یادش روی گردانند و با اختیار به دنیا طلبی پردازند، اعراض کند:

«فأعرض عن من تولی عن ذکرنا و لم یرد الا الحیوة الدنیا ذلک مبلغهم من العلم ان ربک هو أعلم بمن ضل عن سبیله و هو أعلم بمن اهتدی» (تجم، ۲۹-۳۰)

«پس از هر کسی که از یاد ما روی برتاقت، و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این منتهای دانش آنان است. پروردگار تو خود به حال کسی که از راه او منحرف شده دانائر، و او به کسی که راه یافته (نیز) آگاه تر است.»

امام علی (ع) در خصوص این که، دنیا فریب نمی‌دهد بلکه انسان خودش عامل فریب و سبب فاعلی آن است چنین می‌فرماید:

«و حقا أقول ما الدنیا غرتک و لکن بها اشترت و لقد کاشفت العظمت و ما ذنک علی سواء و لاهی بما تعدک من نزول البلاء بجمسک و النقص فی قوتک صدق و أوفی من أن تکذبک أوتفکر» (صبحی صالح، خطبه ۲۲۳)

«به راستی دنیا تو را نفریفته، تو خود فریفته آن شده‌ای. دنیا هر چیزی را که از آن عبرتی توان گرفت، برایت آشکار ساخت و از فواید عدالت آگاهت نمود. دنیا که تو را به درد مند

شدن تن و نقصان نیرو وعده می‌دهد، صادق تر و وفادارتر از آن است که به تو دروغ گوید یا فریب دهد.»

دنیا هر دو روی سکه را نشان می‌دهد و علاقه دارد انسان فریب نخورد و به راه بیاید، دنیا را خدا آفرید و نیکو آفرید، بخشی از آن که نیک است یعنی مربوط به نفس انسان نیست، به خدا مرتبط است. برای شناخت دنیا باید صفحه‌ی دیگرش را ورق زده و کسی که صفحه‌ی دیگرش را ورق نزده و لحظه‌ای به گورستان‌ها نرفته، دلیلی براین نیست که دنیا چهره‌ی دیگرش را نشان نداده است. برای کسی که دنیا را وطن قرار ندهد و در آن آرام نگیرد، جای خوبی است و چون خود را عابر دانسته و دنیا را مسیر و معبر، پویا می‌شود و اگر پنداشت دنیا وطن است، ایستا خواهد شد (جوادی آملی، ۱۴۳-۱۴۴).

به تعبیر مطهری: «امام علی (ع) مکرر به این مطلب اشاره می‌کند که دنیا خوب جایی است، اما برای کسی که بدانند این جا قرارگاه دایمی نیست، گذرگاه و منزلگاه اوست» (مطهری، سیری در نهج البلاغه، ۲۶۳).

«و لنعم دار من لم یرض بها دارا» (صبحی صالح، خطبه ۲۲۳)

«دنیا چه خوب خانه ایست برای آن کس که آن را جاودانه نپندارد.»

«انما الدنیا دار مجاز و الآخرة دار قرار فخذوا من ممرکم لممرکم» (همان خطبه ۲۰۳)

«دنیا سرای گذر و آخرت سرای جاویدان است. پس از گذرگاه خویش، برای سر منزل جاودانه توشه بگیرید.»

دنیای ستوده

دنیای ستوده، به معنای سیر و حرکت کردن در مسیر اعتدال، دنیا را مزرعه‌ی آخرت دیدن و چون مسافران در آن زیستن و از افراط و تفریط پرهیز نمودن و نه مانند چهار پایان در بند خشم و شهوت بودن و نه مانند راهبان رها از دنیا بودن است که اموری چون: خداپاوری، فرجام اندیشی، عمل گرایی، خودشناسی، تفکر و تعقل، زهد و قناعت، ثوکل، حق گرایی، جود و سخا، عدالت، صبر و شکیبایی، رضا و تسلیم و... از شاخص‌های اصلی آن است.

قرآن کریم، دنیای ستوده را چنین ترسیم می‌کند:

«و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن کما أحسن الله إلیک و لاتبغ الفساد فی الأرض إن الله لایحب المفسدین» (قصص، ۷۷)

«و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و

همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فساد گران را دوست ندارد.»

این آیه، اشاره به این دارد که مال و ثروت بر خلاف پندار بعضی از کج اندیشان چیز بدی نیست، مهم آن است که در چه مسیری به کار می‌افتد و اگر به وسیله‌ی آن «ابتغاء دار آخرت» شود چه چیزی از آن بهتر است؟ اگر وسیله‌ای برای غرور و ظلم و تجاوز و هوسرانی گردد، چه چیزی از آن بدتر؟ (مکارم، ۱۶ / ۱۵۵).

و در آیات دیگر در خصوص دنیا این مفهوم تاکید شده، گاهی از مواهب مادی به «خیر» تعبیر شده: «و ما تنفقوا من خیر...» (بقره، ۲۷۲) و هر مالی را که انفاق کنید، به سوی خود شماست» و گاه آن را «فضل» نامیده:

«و من رحمته جعل لکم اللیل و النهار لتسکنوا فیه و لتبتغوا من فضله» (قصص، ۷۳)

و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این یک بیارامید و در آن یک از فزون بخشی او (روزی خود) بجویید.

و در آیه‌ی دیگر به کسب مواهب دنیوی امر شده:

«هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناکیبها و کلوا من رزقه» (ملک، ۱۵)

«اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی (خدا) بخورید.»

و در آیه‌ی دیگر در خطاب به کسانی که نعمت‌های حلال و روزی‌های پاکیزه را بر خود حرام کرده‌اند چنین می‌فرماید:

«قل من حرم زینة الله الّتی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق» (اعراف، ۳۲)

(ای پیامبر) بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و (نیز) روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟»

بنابراین، درک صحیح دنیا این است که انسان با عالم رابطه‌ای اخروی برقرار سازد و زندگی دنیوی را اسیل نداند و آن را ابزاری تلقی کند نه غایی. چنان که امام سجاد (ع) رابطه انسان با دنیا را دو گونه می‌دانند، یا رساننده به آخرت و یا کاملاً نافرجام و نفرین شده:

«الدنیا دنیاوان دنیا بلاغ و دنیا ملعونه» (کلینی، ۲ / ۳۱۶)

«دنیا دو دنیاست: دنیای رساننده و دنیای نفرین شده»

دنیایی که مدل آن «دار الحرکه الی دار القرار» باشد و نردبان رسیدن به آخرت؛ به تعبیر امام علی (ع)، مسجد دوستان خدا، مصلاهی ملائکه‌ی پروردگار، محل نزول وحی و بازارگاه

اولیای الهی است که از طریق آن می‌توان به رحمت دست یافت و کسب بهشت کرد: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صَدَقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَ دَارُ غَنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحْيَاءِ اللَّهِ وَ مَصَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهَبْتُ وَحَى اللَّهِ وَ مَتَجَرَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ اكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رِيحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ» (صبحی صالح، حکمت ۱۳۱)

«دنیا برای کسی که گفتارش را راست انگارد سرای راستی است و برای کسی که حقیقت آن را دریابد، سرزای عافیت است و برای کسی که از آن برای آخرتش توشه برگیرد، سرای توانگری است و برای کسی که از آن پند پذیرد، سرای اندرز و موعظه است. دنیا نمازگاه دوستان خداست، مصلاهی ملائکه خداست. محل نزول وحی خداست، بازارگاه دوستان خداست که در آن کسب رحمت کنند و سودشان بهشت است.»

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «لیس منا من ترک دنیا لآخرته و لا آخرة لدنياه» (حرعاملی، ۱۲ / ۴۹)

«کسی که دنیا را برای آخرت و یا آخرت را برای دنیا ترک کند از ما نیست.»

ارتباط انسان با دنیا

قرآن کریم، بینش ویژه‌ای در مورد دنیا دارد که طبق این بینش، راز دنیا در دو کلمه نهفته است: الم و امل؛ دنیا سرای الم و امل است. سرای الم است، از آن رو که آن را با بلا در پیچیده‌اند، «دار بالبلاء محفوفه» (صبحی صالح خطبه ۲۲۶) «دنیا گذرگاهی است که آن را در مسیر آتشفشان و صخره‌های لبرزان کشیده‌اند؛ هیچ کس از مؤمن و مشرک، بی‌بلا و دشواری، از این گذرگاه نخواهد گذشت. اما بلائی مؤمن، از آن روست که او این گذرگاه صعب را برای رفتن به سوی خدا برگزیده (مغر) و بلائی مشرک، از آن روست که او در این مسیر خانه گرفته است.» (همان خطبه ۲۰۳).

به همین سبب، بلا برای مؤمن، امتحان است و او در این امتحان، صبر را بر خویش روا می‌بیند؛ زیرا صبر بر دنیا این است که انسان، فریفته و دل‌باخته‌ی مال و منال دیگران نشود و بداند که آنچه در اختیار دیگران است، ظاهرش نعمت است و باطنش نعمت، ظاهرش کامیابی است و باطنش دردسر (قرضاوی، ۸۰). چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و یشر الصابرين» (بقره، ۱۵۵)

«و قطعاً شما را به چیزی از (قبیل) ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم: و مزده ده شکیبان را»

اما بلا برای مشرک، ادب است و با فزع همراه، چرا که در جایی خفتن اختیار کرد که باید از آن می‌گریخت.

«إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ اَدَبٌ وَ لِمُؤْمِنٍ اِمْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ» (علامه مجلسی، ۲۲۵/۶۴)

نیمه‌ی دیگر رخسار دنیا، امل است و این از آن روست که خداوند دنیا را زینت‌دهای ساخته و زمین، کانون حیات دنیا را یا زینت‌ها آراسته است، چنان که می‌فرماید:

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف/ ۷)

«در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم، تا آن را ببازماییم که کدام یک از ایشان نیکو کارترند.»

به علاوه، شیطان نیز در این زینت‌ده اجازة دارد به تزئین بپردازد، اما ویژگی تزئین شیطان آن است که زشت‌ها را نیز زیبا جلوه می‌دهد. چنان که می‌فرماید:

«قَالَ رَبِّمَا اغْوَيْتَنِي لِأُزِينَ لِهَيْمِ فِي الْأَرْضِ...» (حجر/ ۳۹)

«گفت: پروردگارا، به سبب آن که مرا گمراه ساختی، من (هم گناهانشان را) در زمین برایشان می‌آرایم.»

زینت‌گری دنیا به این معناست که دل‌ها شیفته دنیا شده و متوجه آن و غافل از ماورای آن شود و از ذکر خدا بی‌خبر گردد، این قسم جلوه‌گری تصرفی است شیطانی و نکوهیده که خدای سبحان آن را به شیطان نسبت داده و بندگان خود را از آن بر حذر داشته و فرموده است:

«... وَ زِينِ لَهُمُ الشَّيْطَانِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۴۳)

«و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است.»

حیات دنیا با چنین خصیصه‌ای، امیدها و آرزوها را بر می‌انگیزد و در وسعت این آرزوهای بلند و طولانی، چهره‌ای فربه از خویش نمایان می‌سازد؛ قرآن می‌آموزد که دنیا، خود چهره‌ای نزار و استخوانی دارد. «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (تساء، ۷۷)، «فَمَا مَتَاعُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه، ۳۸)، «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (آل عمران، ۱۸۵) «و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست...» و آنچه آن را فربه می‌سازد، آرزوهای آدمی است و این آرزوها، انسان را غرق در خیالات و توهمات باطل می‌سازد و دیده‌ی روشن بین انسان را کور می‌سازد به گونه‌ای که تفاوت فریبی و آماس را در نیابد؛ به تعبیر امام علی (ع):

«الامانی تعمی عیون البصائر» (آمدی، ۵۲/۲)

«آرزوها و خیالات چشم بینایان را کور می‌کند.»
 و از این رو اگر فصل تزئین به پایان برسد، دنیا به خزان خواهد نشست و آن چنان که هست، به نظر خواهد آمد و چون ماری خوش خط و خال که دست کشیدن بر آن، نرم می‌نماید ولی درون آن زهری کشنده است، ماهیت خود را نمایان خواهد ساخت:
 «مثل الدنيا كمثل الحية لينة مسها و السم الناقع في جوفها يهوى إليها الغر الجاهل و يحذرها ذواللب العاقل» (صبحی صالح، حکمت ۱۰۹)
 «دنیای (حرام) چون مار سمی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می‌گراید و هوشمند عاقل از آن دوری گزیند.»
 این چهره‌ی خزان زده‌ی دنیا در آیات ۲۴ سوره بونس و ۴۵ سوره کهف و ۲۰ سوره حدید با بیانی رسا به تمثیل درآمده است.

قرآن با عرضه‌ی چنین بینشی در مورد دنیا، زمینه‌ی دگرگونی و تحول را در انسان فراهم می‌سازد. دنیا را سرای الم دیدن، آمادگی برای پذیرش دشواری‌ها و رنج‌ها را در انسان به وجود می‌آورد و صبر در شدايد و قدرت رویارویی با مشکلات را میسر می‌گرداند.
 همچنین، دریافتن این که دنیا سرای امل است و دانستن این که کالای آن در زورق آرزو پچیده شده است، انسان را در معامله هشیار می‌کند تا برای آن بهای گزاف نپردازد و جلوه‌های آن را به جسد نگیرد و امل را واگذارد و به گرفتن «نصیب» خویش کفایت کند و خویش را ارزان نفروشد.

«لبس المتجر أن تری الدنيا لنفسك ثمناً» (همان، خطبه ۳۲)

«بد معامله‌ای است اگر فکر کنی که دنیا بهای توست.»

قرآن می‌آموزد که دنیا آرایش شده است، خاصه که آرایش‌گاه زیبایی نیست، بلکه پوششی است بر زشتی و آن هم پوششی بی‌دوام و بی‌درنگ و این سزاوار آن نیست که مورد امل قرار گیرد. آن چه لایق دل بستگی است، چیزی است که هم «بقا» داشته باشد و هم «صلاح» انسان را بار آورد (باقیات صالحات). این است که قرآن در دنیا به «عمل» فرا می‌خواند؛ عمل صالحی که آثار آن پایدار و باقی است و گوشزد می‌کند که چنین عملی سزاوار آن است که «امل» انسان واقع شود (باقری، ۱۱۲-۱۱۳)

«المال و البنون زينة الحياة الدنيا و الباقيات الصالحات خیر عند ربك ثواباً و

خیر أملاً» (کهف/۴۶)

«مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر

واز نظر امید (نیز) بهتر است.» چنان که امام علی (ع) در تأکید این نکته چنین می‌فرماید:
 «و إن اليوم عمل و لا حساب و غداً حساب و لا عمل» (صبحی صالح، خطبه ۴۲)
 «امروز هنگام عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است نه عمل»
 این نوع بینش سبب می‌شود تا انسان به بهانه‌ی فانی بودن دنیا، بیکار ننشیند، بلکه مرگ را مسلم و آمده انگارد و بدون عمل، آن هم، عمل صالح انتظار آن را نکشد:
 «فحققوا علیکم نزوله و لا تنتظروا قدومه» (همان، خطبه ۱۹۶)

«پس {فرا رسیدن مرگ} را حتمی بشمارید و {بدون عمل} در انتظارش به سر مبرید.»
 با توجه به این معناست که دنیا مزرعه‌ی آخرت شمرده می‌شود و اگر کسی در آن بذر عمل صالح بپاشد، ثمره‌ای پایدار و باقی خواهد داشت.

نتیجه گیری

- ۱- در این نوشتار، کوشش بر این بود که معنی‌شناسی و حوزه معنایی واژه «دنیا» تحلیل شود. لذا واژه‌های کلیدی و مهم پیرامون این مفهوم کانونی مورد موشکافی قرار گرفته شد و حوزه معنایی «دنیا» از همدیگر بازشناخته شد.
- ۲- واژه «دنیا» عنصری فراگیر برای تمام ارزش‌های اخلاقی است که در قرآن شناخته شده است و نوع انتخاب انسان‌ها به جهت‌دهی آن در مسیر کمال یا انحطاط کمک می‌کند که حاصل آن یا ستایش است یا نکوهش.

منابع:

- ۱- نهج البلاغه، ضبط و تنظیم صبحی صالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵ هـ ق.
- ۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تکمیل مهدی انصاری، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ اول.
- ۳- الاحسان، محمدبن علی بن ابراهیم، *عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ*، تحقیق مجتبی عراقی، مطبعة سيد الشهداء، قم ۱۴۰۲ هـ ق.
- ۴- ابن فارس، احمد بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ج ۲، بی تا.
- ۵- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ پانزدهم، بی تا.
- ۶- جزری، ابن اثیر، *النهاية فی غریب الحدیث و الاثر*، تحقیق ظاهر احمد الزاوی، موسسه اسماعیلیان، قم، بی تا.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ سوم، بی تا.
- ۸- دلشاد تهرانی، مصطفی، *دوات آفتاب (اندیشه‌ی سیاسی و سیره‌ی حکومتی حضرت علی (ع))*، خانه اندیشه‌ی جوان، تهران، چاپ اول، بی تا.
- ۹- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق و ضبط محمد سید کیلانی، دارالمعرفه، بیروت.
- ۱۰- شیرازی، صدرالدین، *تفسیر القرآن الکریم*، محمدبن ابراهیم، انتشارات بیدار، قم، ج ۳، ۱۳۶۴ هـ ش.
- ۱۱- الطباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الخامسة، بی تا.
- ۱۲- الطبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم ۱۴۰۳ هـ ق.
- ۱۳- علی اکبریان، حسن علی، *ارزش دنیا، کانون اندیشه جوان*، تهران، چاپ اول، بی تا.
- ۱۴- فخر الدین ابن ضیاء الدین، عمر، *التفسیر الکبیر*، الامام محمد رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲۷، الطبعة الثالثة.
- ۱۵- فیض کاشانی، مولی محسن، *تفسیر الصافی*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۲ هـ ق.
- ۱۶- قرضاوی، یوسف، *سیمای صابران در قرآن*، ترجمه و تحقیق محمد علی لسانی فشارکی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم، چاپ دوم، بی تا.
- ۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *اصول کافی*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، تهران، چاپ سوم، بی تا.
- ۱۸- محمدبن الحسن (شیخ طوسی)، *ابوجعفر التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصر العاملی، مکتبه الامین، نجف، بی تا.

- ۱۹- محمدبن الحسن، الحر العاملی، *وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الخامسة، بی تا.
- ۲۰- مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پانزدهم، بی تا.
- ۲۱- مطهری، مرتضی، *سیری در نهج البلاغه*، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، تهران، بی تا.
- ۲۲- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ شانزدهم، ج ۲، بی تا.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ شانزدهم، ج ۱۶، بی تا.
- ۲۴- موسوی خمینی، روح الله، *جهل حدیث*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ ششم، بی تا.